

خویشاوندی زبان‌ها و خاستگاه زبان لاتین در شاخه زبان ایتالی از خانواده زبان‌های هند و اروپایی

واژگان کلیدی

- * زبان‌های هند و اروپایی
- * زبان لاتین
- * خویشاوندی زبان‌ها
- * تنوع زبانی
- * شاخه زبان ایتالی

نسرین گندمی* E-mail: ngandomi@ut.ac.ir

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

چکیده:

در مقاله حاضر با بررسی تاریخی زبان لاتین نشان داده می‌شود که این زبان هرگز نمرده و پیوسته در تغییر بوده و هیچگونه وقفه‌ای در پیوستگی آن در یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود نداشته است. صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود اگرچه با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر متفاوت است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را «لاتین» نامید و امروزه به جای لاتین پاریس، لاتین رم و لاتین مادرید از عنوان فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی استفاده می‌شود، اما از اینها می‌توان به عنوان صورت‌های متأخرتر زبان لاتین یاد کرد.

بدین منظور در این مقاله، ابتدا از مطالعات تاریخی و تطبیقی و تماس زبان لاتین در روم با یونانیان و بکارگیری آن به عنوان زبان رسمی، بازرگانی، علم و آموزش سخن گفته می‌شود. سپس در بخش دیگر، به چگونگی ایجاد تنوع زبانی در زبان لاتین در نتیجه هم نشینی آن با دیگر زبان‌ها و تبدیل آن به زبان‌های رومی متعدد پرداخته می‌شود. با توضیح خانواده زبان‌های هند و اروپایی و زبان ایتالی در این خانواده که لاتین مهم‌ترین زبان در این شاخه است سعی می‌شود تا با بررسی خویشاوندی زبان‌ها در این شاخه به نیای زبان‌های رومیایی جدید پرداخته شود؛ در نهایت، چگونگی تغییرات زبان لاتین و تبدیل آن به صورت‌های متأخرتر توضیح داده می‌شود.

مقدمه

در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آن‌ها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ بشر است و اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند. واقعیت این است که لاتین هرگز نمرده است یعنی در هیچ زمانی مردم به یکباره سخن گفتن به آن را کنار نگذاشتند. در هر نسلی، انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته، پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت (تراسک، ۱۳۸۲: ۱۰۷). زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ‌گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. بنابراین مرزهای زمانی و مکانی یک زبان، غالباً ثابت نیستند و دقیقاً مشخص نمی‌باشند.

در برخورد زبان‌ها در روم، طی سالیانی که روم بر جهان متمدن غرب فرمان می‌راند، میان لاتین‌زبانان و گویندگان زبان‌های دیگر حتماً می‌باید تماس‌هایی در سطوح مختلف و در جاهای گوناگون پدید می‌آمد و به وجود مترجمان فراوان، نیاز بسیار احساس می‌شد، و آموزش و یادگیری زبان لاتین مشغلهٔ همهٔ قشرها و طبقات، چه در مدارس رسمی و چه در جلسات درس خصوصی در خانه، به شمار می‌آمد.

در بررسی تاریخی و تطبیقی زبان لاتین نشان داده می‌شود که این زبان پیوسته در تغییر بوده و با تنوع زبانی که در اثر همنشینی با سایر زبان‌ها انجام گرفته، زبان‌ها و گویش‌های متعددی از آن ایجاد شده است. صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود اگرچه با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر متفاوت است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را «لاتین» نامید و امروزه به جای لاتین پاریس، لاتین رم و لاتین مادرید از عنوان فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی استفاده می‌شود، اما از اینها می‌توان به عنوان صورت‌های متأخرتر زبان لاتین یاد کرد.

با بررسی شاخهٔ زبان ایتالی از خانوادهٔ بزرگ زبان‌های هند و اروپایی و بررسی مهم‌ترین زبان در میان زبان‌های شاخه ایتالی که بدون شک لاتین است به ردپای زبان لاتین در زبان‌های آن

شاخه خواهیم پرداخت و به این مسئله که چگونه زبان لاتین هنوز نمرده است و در نهایت به صورت‌های متأخرتر زبان لاتین تبدیل شده است، پاسخ داده می‌شود.^۱

پیشینه پژوهش

چندین مقاله درباره زبان‌های هند و اروپایی نوشته شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: مقاله «ریشه‌شناسی دو واژه از نسبت‌های خویشاوندی در زبان‌های هند و اروپایی» از گفام شریفی، که شامل بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های زبان‌های هند و اروپایی می‌باشد، مقاله «تحول آوایی زبان‌های هند و اروپایی» از سهراب برگ بیدوندی که به بررسی آوایی زبان‌های هند و اروپایی می‌پردازد، و همچنین مقاله «باره پهلوانی در اساطیر هند و اروپایی» از خسرو قلیزاده که به اسطوره‌های این زبان‌ها پرداخته می‌شود و تعدادی مقاله دیگر که با همین مضامین بوده است. شایان ذکر است که یک مورد مقاله نیز تحت عنوان «خویشاوندی زبان‌ها، خاستگاه زبان آلمانی و تحولات آن» از سوزان گویری موجود است که خاستگاه زبان آلمانی را در زبان‌های هند و اروپایی مورد بررسی قرار داده است. اما برای بررسی تاریخی و تطبیقی تحولات ریشه زبان لاتین و تغییرات آن در طول مقاطع زمانی متعدد و اشاره به رد پای این زبان در شاخه ایتالی که از خانواده هند و اروپایی می‌باشد پیشنهاد می‌شود. لذا در این مقاله سعی شد چگونگی تنوع زبانی در زبان لاتین که در نتیجه هم‌نشینی آن با دیگر زبان‌های شاخه ایتالی از خانواده هند و اروپایی ایجاد شده است و تبدیل آن به زبان‌های رومی متعدد بررسی شود. با توضیح خانواده زبان‌های هند و اروپایی و زبان ایتالی در این خانواده که لاتین مهم‌ترین زبان در این شاخه است تلاش می‌شود تا به بررسی خویشاوندی زبان‌ها در این شاخه به نیای زبان‌های رومیایی جدید پرداخته شود؛ و در نهایت، به چگونگی تغییرات زبان لاتین و تبدیل آن به صورت‌های متأخرتر توضیح داده شود.

^۱ مقاله حاضر بررسی کوتاهی است درباره خاستگاه زبان لاتین از دیدگاه خویشاوندی زبان‌ها در خانواده هند و اروپایی؛ روند تحولات این زبان از نظر واج‌شناسی، معناشناسی، صرف و نحو و دیگر مفاهیم زبانشناختی مد نظر نمی‌باشد.

بحث و بررسی

در میان کسانی که در نیمه نخست از قرن نوزدهم به کار پژوهش در زمینه زبان‌شناسی سرگرم بودند چهار تن هستند که بلند آوازه‌تر از دیگرانند و آن چهار تن عبارتند از: راسک که دانمارکی بود و گریم، بوپ و هومبولت که همگی آلمانی بودند و به حق است اگر بگوییم پس از ورود راسک و گریم بدین زمینه است که می‌شود گفت مطالعات تاریخی و تطبیقی در باب خانواده زبانی هند و اروپایی به طور جدی آغاز می‌شود. اصطلاح هند و ژرمنی را نخستین بار در آثار مربوط به سال ۱۸۲۳ به چشم می‌بینیم و به سال ۱۸۳۳ بود که پات آن را به کار گرفت. در انگلیسی نیز اصطلاح هند و اروپایی را از سال ۱۸۱۴ به بعد به کار برده اند (روبینز، ۱۳۷۳: ۳۶۲).

اگر از چشم‌انداز زمانه خود به گذشته باز نگریم، می‌توانیم به اهمیت صورتبندی مزبور در هیأت نخستین قانون در سلسله قوانینی بنگریم که ناظر بر تغییرات آوایی زبان‌ها در مسیر تاریخند و همین سلسله قوانین است که در مجموع مقدر بود ستون خانواده هند و اروپایی و دیگر خانواده‌های زبانی را تشکیل دهد.

رومیان از همان نخستین تماس‌هایشان با یونانیان با سعه صدر و روی خوش پذیرفتند که این قوم در عرصه دستاوردهای فکری و هنری از خود آنان برترند و این به لحاظ زبان‌شناختی در دو زبان متفاوت منعکس شد که یکی زبان رایج ایالات غربی گردید و دیگری زبان رایج ایالات شرقی. در نیمه غربی امپراتوری که خود هیچ تماسی با تمدن شناخته شده‌ای پیدا نکرده بود، زبان لاتین هم زبان رسمی و اداری شد و هم زبان بازرگانی و حقوق و هم زبان علم و آموزش و هم زبانی که با آن بتوان به پیشرفت‌های اجتماعی نائل آمد. سرانجام نیز صورت گفتاری همین زبان لاتین که با صورت ادبی و کهن آن یکی نبود زبان‌های پیشین بخش بزرگی از ایالات غربی را کنار زد و خود جای آن‌ها را گرفت و در گذر از تحولات زبان‌شناختی‌ای که از سر گذرانده بود به صورت زبان‌های رومیایی درآمد و اینها اکنون در اروپای معاصر رواج و رونق دارند. ولی در نیمه شرقی امپراتوری، که از روزگار یونان‌مداری تا حد زیادی زیر سلطه اداری یونان بود، زبان یونانی به هر حال همان پایگاهی را که از پیش احراز کرده بود همچنان نگاه داشت و مأموران رومی در جریان مأموریتشان در آن نواحی زبان یونانی را به ضرورت می‌آموختند و به کار می‌بستند و ادبیات و فلسفه یونانی در این نواحی همچنان تداوم داشت و محترم شمرده می‌شد. سرانجام هم این تقسیم‌بندی زبانی با تأیید اساسی استحکام یافت و

امپراتوری روم در راستای آن به دو امپراطوری شرقی و غربی تقسیم شد و شهر نوبنیاد قسطنطنیه یا بیزانس، پایتخت امپراتوری نوپای شرقی شد و در رأس قلمرو روم شرقی بر دشواری‌های بسیاری غالب آمد و از آزمون‌های سخت گذشت و تا آغاز دوران نوزایی^۲ در اروپا همچنان پایدار ماند. (روبینز، ۱۳۷۳: ۱۰۶).

طی سالیانی که روم بر جهان متمدن غرب فرمان می‌راند، میان لاتین‌زبانان و گویندگان زبان‌های دیگر حتماً می‌باید تماس‌هایی در سطوح مختلف و در جاهای گوناگون پدید می‌آمد و به وجود مترجمان فراوان، نیاز بسیار احساس می‌شد، و آموزش و یادگیری زبان لاتین و در ایالات شرقی، آموزش و یادگیری زبان یونانی، مشغلهٔ همهٔ قشرها و طبقات، چه در مدارس رسمی و چه در جلسات درس خصوصی در خانه، به شمار می‌آمد. بنابراین آثار بسیار زیادی در این دوره به زبان لاتین ترجمه شد. نخستین ترجمهٔ عهد عتیق به زبان یونانی به دست دانشمندان یهودی صورت گرفت که خود به عصر یونان‌مداری تعلق داشتند و از قرن سوم پیش از میلاد به بعد ترجمه ادبیات یونانی به زبان لاتین به طور منظم دنبال شد. نفوذ و اعتبار آثار یونانی چندان بر فکر و ذهن لاتین‌زبانان سایه‌گستر شده بود که شاعران لاتین، اوزان اصلی شعر خود را رها کردند و در اوزانی شعر سرودند که از شاعران یونانی آموخته بودند و این شیوه در تمام دوران باستان دنبال شد و پس از آن نیز همچنان ادامه یافت (روبینز، ۱۳۷۳: ۱۰۷).

شهر روم پس از یک قرن آشوب و بحران داخلی و فشار و یورش خارجی، سرانجام مرکزیت خود را به عنوان پایتخت اداری امپراتوری از دست داد و این در روزگار دیوکلسیانوس اتفاق افتاد که از سال ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی حکومت کرد. آنگاه جانشین بعدی او به نام کنستانتین دولت خود را به شهری دیگر منتقل کرد و این شهر را در محل شهر بیزانس بنا کرد و آن را به نام خود کنستانتینوپل (قسطنطنیه) نامید. تا پایان قرن چهارم، امپراتوری روم رسماً به دو خطه‌ی شرقی و غربی تقسیم شده بود و هر یک امپراتوری خاص خود را پیدا کرده بود. این تقسیم‌بندی کمابیش در راستای حد و مرزی انجام گرفت که نواحی یونانمدار کهن را از ایالات غربی جدا می‌کرد و این نواحی هرچند مغلوب روم شده بود اما همچنان به زبان و فرهنگ یونانی باقی مانده بود و حال آنکه ایالات غربی ایالاتی بودند که رومیان در سرزمین‌های اقوام وحشی بنیاد نهاده بودند و خود در زبان و فرهنگ، تحت نفوذ رومیان قرار داشتند. به هر حال

² Renaissance

قسطنطنیه با آن که همواره از غرب و از شرق در معرض حمله قرار داشت توانست هزار سال در رأس امپراتوری شرقی (بیزانس) پابرجا باشد. تا آنکه سرانجام این شهر نیز در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست ترکان گشوده شد و شکست خورد.

زبان لاتین در سال ۲۱۸ قبل از میلاد در شبه جزیره ایبریا که شامل اسپانیای کنونی و پرتغال می‌شود و همچنین به واسطه جنگ‌های پونیک، بوجود آمد. خیرونا^۳ اولین شهر اسپانیایی بود که رومی‌ها در آن پیاده شدند و فتح اسپانیا را بنا نهادند ولی این فتح به دلیل مقاومت برخی از مناطق اسپانیا آسان صورت نگرفت و دو قرن به طول انجامید. لاتینیزه شدن اسپانیا به دلیل طولانی شدن فتح آن، دارای ویژگی خاص و متفاوتی نسبت به باقی اروپای فتح شده، داشت که یک بُعد آن به ویژگی اجتماعی آن دوران این شبه جزیره هیسپانیا باز می‌گردد و بخش دیگر به تنوع فشارهایی که به آن جا می‌رسیدند، به عبارتی فقط سربازها نبودند که به اسپانیا آمدند بلکه به دلیل طولانی شدن فتح قبایل مختلف رومی، سربازان، مسئولین ادارات دولتی، تجار، ملاکین و حتی مردمی از قشرهای پایین جامعه آن روز روم به این شبه جزیره مهاجرت کردند و همین باعث بوجود آمدن تمایزاتی از همان ابتدا در زبان لاتینی که در اسپانیا می‌شد با باقی مناطق فتح شده و حتی خود مرکز فرماندهی روم بوجود آمد. ضمن اینکه تقسیم اقشار هیسپانیا به دلیل طیف وسیعی که از مشاغل و نژادها وجود داشت متفاوت‌تر از جاهای دیگر بود و مردم به دسته‌های شهروندان کامل و آزاد (رومی‌ها)، شهروندانی با آزادی محدود (لاتین-ها) ساکنین آزاد بدون حق اخذ شهروندی (ساکنین اسپانیا) و بردگان تقسیم می‌شدند.

در رابطه با لاتینیزه شدن زبان اسپانیایی جای دارد خاطر نشان ساخت که این عمل خیلی سریع و بدون مقاومت انجام پذیرفت چرا که با یادگیری این زبان به منابع لاتین و بازارهای روم و فرهنگ و مراودات سریع‌تر آشنا می‌شدند ضمن این که ساکنین هیسپانیا، زبان لاتین را زبانی غنی و با ساختار دستوری کاملتری نسبت به زبان خود یافتند و حاکمین رومی نیز استفاده از زبان لاتین را در تمامی مراکز شهری و دولتی به عنوان تنها زبان رسمی معرفی کرده بودند لذا از همان ابتدا یک تسلط و تبعیض زبانی در جامعه آن روز هیسپانیا بوجود آمد و رفته رفته زبان‌های محلی آن زمان شبه جزیره از بین رفتند (بجز اروسکی که زبان متداول ساکنین باسک می‌باشد) و لاتین جانشین آن شد.

³Gerona

زبان لاتین نیز به مانند دیگر زبان‌ها دارای تنوع زبانی است مرتبط با عوامل گویشی، اجتماعی، فرهنگی، فاکتورهای تاریخی و نیز در آخر فاکتورهای بیانی که در واقع نتیجه هم‌نشینی با دیگر زبان‌ها می‌باشد. در واقع لاتین محاوره‌ای، لاتینی بود که سینه به سینه منتقل شده بود و بر خلاف لاتینی که رومی‌ها برای محاوره استفاده می‌کردند و معرف لاتین کلاسیک بود، نوع گویشی لاتین به شمار می‌رفت که در کوچه و خیابان توسط مردم عامی استفاده می‌شد و از لاتین کلاسیک در خیلی از مسائل ساختاری و گویشی دور بود چرا که زبانی پویا و زنده‌ای بود مختص محاوره و غیر کتابت و به دلیل گستره و محبوبیتش در بین مردم، در واقع لاتینی بود که بعدها گسترش یافت و تا قاره آمریکا نیز رسید و منجر به تولید آثار ادبی و هنری بسیاری در این زبان شد؛ بر خلاف لاتین کلاسیک که فقط در حالت کتابت ماند. لذا به جرات می‌توان گفت که زبان‌های رومیایی، رشد و گسترش خود را مدیون زبان لاتین محاوره‌ای می‌دانند تا کلاسیک. با توجه به این که لاتین محاوره‌ای فقط در محیط‌های غیر رسمی استفاده می‌شد لذا متن و یا مدرکی جهت نشان دادن ریشه محاوره‌ای زبان‌های رومی به طور واضح و شفاف وجود نداشت ولی به لطف محاوره‌ای بودن برخی از آثار ادبی آن دوران که توسط افرادی نگاشته شده‌اند که دارای سواد لاتین کلاسیک بالایی نبودند علم زبان‌شناسی توانست مجموعه‌ای از دست نوشته‌های آن دوران را گردآوری نماید که برای مطالعه‌ی ریشه‌ها حائز اهمیتند.

شناخت لاتین محاوره‌ای برای تفسیر و توضیح ویژگی‌های دستوری زبان‌های رومیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متحول شدن از محل استفاده و به صورت خود به خودی به جای رسمی و کلیشه‌ای که ناشی از زبان کتابت و یا ادبیات می‌باشد، از دیگر گرایش‌های کلی تمامی زبان‌های دنیا محسوب می‌گردد. به عبارتی ویژگی‌های زیادی در زبان لاتین و در نتیجه در زبان‌های رومیایی یافت می‌شوند که چنانچه با لاتین محاوره‌ای آشنا نباشیم دارای توجیه منطقی نیستند چرا که تحولات زبانی هستند که هیچگاه نمی‌توانستند نتیجه تحول زبان لاتین کلاسیک باشند و در چارچوب قواعد زبانی آن نمی‌گنجند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ریشه لاتین محاوره‌ای و علائم آن در کلیه زبان‌های رومیایی وجود دارد. در قرن ششم یک زبان لاتینی که به شدت محاوره‌ای شده به عنوان یک زبان می‌میرد (و فقط به عنوان یک ابزار علوم پزشکی به حیات خود ادامه می‌دهد) و جای خود را به گویش‌های متعددی می‌دهد که در آینده و با گذشت زمان تبدیل به زبان‌های رومی می‌شوند.

خانواده زبان هند و اروپایی:

هیچ خانواده‌ی زبانی دیگری به مانند خانواده هند و اروپایی مورد مطالعه گسترده قرار نگرفته است و بازسازی زبان هند و اروپایی مادر، به طور کلی یکی از دستاوردهای مهم علم، در قرن نوزدهم به شمار می‌رود. در داخل این خانواده اختلافات و گوناگونی‌های بسیاری میان اعضای آن وجود دارد به طوری که زبان‌های هند و اروپایی امروزی با یکدیگر شباهت بسیار کمی دارند.

کارل بروگمان، زبان هند و اروپایی را به هشت شاخه یا خانواده فرعی تقسیم می‌نماید: ۱- هند و ایرانی (آریایی)، ۲- ارمنی، ۳- یونانی، ۴- آلبانیایی، ۵- ایتالی، ۶- سلتی، ۷- ژرمنی، ۸- بالتی - اسلاوی.

علاوه بر این شاخه‌ها که تا پایان قرن نوزدهم کاملاً شناخته شده بودند، آنتوان میه مواردی از دو خانواده فرعی دیگر را نیز که اسناد مکتوب آن‌ها در اوایل قرن بیستم کشف شده بود مورد استفاده قرار داد. این دو زبان عبارت بودند از: ۹- آناتولیایی، ۱۰- تخری. (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۲۱) در گذشته برخی از دانشمندان، زبان‌های ایتالی و زبان‌های سلتی را زیر یک شاخه فرضی هند و اروپایی به نام ایتالی - سلتی گروه‌بندی کرده بودند اما بررسی‌های اخیر نسبت به وجود این زبان مشترک تردیدهایی به وجود آورده است و اکنون زبان‌های ایتالی و سلتی به طور کلی دو شاخه جداگانه به شمار می‌آیند که از تحول مستقل زبان هند و اروپایی مادر پیدا شده‌اند.

خانواده زبان ایتالی:

مهم‌ترین زبان در میان زبان‌های شاخه ایتالی، بدون شک لاتین است که زبان روم باستان و نیای زبان‌های رومیایی جدید مانند فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی^۴ و رومانیایی^۵ است. گویش‌های اُسکی^۶ و اومبریایی^۷ با زبان لاتین کهن هم زمان بوده‌اند و با آنکه ناشناخته‌تر مانده‌اند، غالباً در مطالعات تاریخی سودمند هستند. (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

^۴ Portuguese

^۵ Romanian

^۶ Oscan

^۷ Umbrian

خانوادهٔ زبان‌های ایتالی در اصل شامل زبان‌های مختلفی بود که تقریباً در ناحیهٔ ایتالیایی کنونی صحبت می‌شده است. آن دسته از زبان‌های ایتالی که اکنون به کار می‌روند جملگی از تبار لاتین، زبان امپراتوری بزرگ روم هستند و زبان‌های رومیایی خوانده می‌شوند.

از خانوادهٔ زبان‌های رومیایی زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی و رومانیایی^۸ گسترده‌ترین زبان‌های آن هستند و در واقع می‌توان گفت که هر یک، زبان یک ملت است؛ حال آنکه کاتالان^۹، پرووانسی^{۱۰}، ساردینیایی^{۱۱}، رتورومیایی، اکسیتان^{۱۲} و دالماسی^{۱۳} سخنگویان کمتری دارند و به مناطق کوچکتری در چارچوب یک کشور محدود می‌شوند. که در اینجا به طور مختصر به همهٔ آن‌ها اشاره می‌شود:

فرانسوی: زبان فرانسوی از زمره زبان‌های رومیایی و از ریشه لاتین است. زبان فرانسوی یکی از بزرگترین زبان‌های دنیاست. فرانسوی علاوه بر اینکه در فرانسه تکلم می‌شود در کشورهای بلژیک، سوئیس و کانادا نیز یکی از زبان‌های رسمی محسوب می‌شود. همچنین در لوکزامبورگ، هائیتی و بیش از پنجاه کشور آفریقایی و بسیاری از سرزمین‌های وابسته به فرانسه، زبان رسمی به شمار می‌رود. در تعدادی از کشورها، فرانسوی زبان دوم محسوب می‌گردد که از آن جمله می‌توان به مراکش، تونس، الجزایر، لبنان، سوریه، لائوس، کامبوج و ویتنام اشاره کرد. ظهور زبان لاتینی در کشور فرانسه که در آن روزگار گُل نامیده می‌شد به زمان فتح این سرزمین به دست ژولیوس سزار در فاصله سال‌های ۵۱ تا ۵۸ قبل از میلاد باز می‌گردد. از آن پس گُل به صورت یکی از مهمترین ولایات امپراتوری روم درآمد و زبان لاتینی به عنوان زبان منطقه بر انواع زبان‌های سلتی (گلی) پیشی گرفت. گویش‌های گوناگونی پدید آمد اما رأی تاریخ به سود لهجهٔ شمالی بود، بدین معنا که پاریس در قرن دوازدهم پایتخت فرانسه شد و فرانسوی پاریسی بر دیگر گویش‌ها برتری یافت. در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم، فرانسوی دیگر در جایگاه والای زبان بین‌المللی بود، هرچند در قرن بیستم زبان انگلیسی تا حدودی بر این اقتدار سایه افکند (کاتسرن، ۱۳۷۶: ۵۸).

^۸ Romanian

^۹ Catalan

^{۱۰} Provençal

^{۱۱} Sardinian

^{۱۲} Occitan

^{۱۳} Dalmation

اسپانیایی: این زبان چه از لحاظ گویشوران و چه از نظر تعداد کشورهایی که در آن‌ها زبان برتر محسوب می‌شود گسترده‌ترین زبان رومیایی است. زبان اسپانیایی گذشته از اینکه در اسپانیا تکلم می‌شود، زبان رسمی کلیه کشورهای آمریکای جنوبی (به استثنای برزیل و گویان)، شش جمهوری آمریکای مرکزی و همچنین مکزیک، کوبا، جمهوری دومینیکن و پرتوریکو است. علاوه بر آن در جزایر بالریک و قناری و در بخش‌هایی از مراکش و ساحل باختری آفریقا و نیز در گینه استوایی به آن زبان سخن می‌گویند. در ایالات متحده آمریکا و در ایالات تگزاس، نیومکزیکو (به عنوان زبان رسمی به موازات زبان انگلیسی)، آریزونا و کالیفرنیا و نیز در نیویورک سیتی در میان بخش‌های وسیعی از پرتوریکویی‌ها و در فلوریدای جنوبی در میان کسانی که از کوبا وارد آمریکا شده‌اند رواج دارد. گونه‌ای از اسپانیایی موسوم به لادینو توسط کلیمی‌هایی که در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا اخراج شدند، به کار می‌رود. تلفظ و کاربرد اسپانیایی از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند لیکن تفاوت‌های منطقه‌ای تا بدان حد نیست که این زبان را برای سخنگویان نواحی گوناگون نامفهوم سازد. ناب‌ترین شکل اسپانیایی که به کاستیلی معروف است در اصل یکی از گویش‌هایی است که بعد از فتح هیسپانیا به دست رومی‌ها در قرن سوم میلادی از زبان لاتینی منشعب گردید. اسپانیا پس از فروپاشی امپراتوری روم مورد تهاجم ویزگوت‌ها قرار گرفت و در قرن هشتم، مغربی‌های عربی زبان بر سراسر شبه جزیره به استثنای شمالی‌ترین بخش آن چیره شدند. در جریان استیلا یافتن مجدد مسیحیان، یکی از قلمروهای مستقل موسوم به کاستیل از دیگر قلمروها پیشی گرفت و هنگام یکپارچه شدن اسپانیا، کاستیلی به صورت گویش مسلط درآمد. بعدها کاستیلی یا اسپانیایی کنونی، زبان امپراتوری وسیعی در جهان امروز شد (کاتسندر، ۱۳۷۶: ۶۴).

پرتغالی: این زبان به عنوان زبان ملی کشورهای پرتغال و برزیل است و نیز عده‌ای در مستعمرات پرتغال در آفریقا، آسیا و جزایر اقیانوس اطلس سخنگو دارد. همچنین در کنار زبان چینی در ماکائو موقعیتی خاص دارد. در نواحی مستعمراتی سابق تعدادی زبان کریول بر مبنای پرتغالی ایجاد شده است. در شمال غربی‌ترین نقطه اسپانیا به یکی از گویش‌های پرتغالی موسوم به گالیسیایی^{۱۴} تکلم می‌کنند. پرتغالی در عین پیوند نزدیک با اسپانیایی اختلاف‌های بارزی نیز با آن دارد. زبان استاندارد بر پایه لیسبون است. تاریخ مطالب مکتوب آن به سده

¹⁴ Galician

دوازدهم میلادی می‌رسد و ادبیات آن یک سده بعد به شکل سروده‌های نغمه سرایان دوره گرد ظهور کرد کاتسنر، ۱۳۷۶: ۷۰)

ایتالیایی: تأثیر این زبان در مقام منتقل کننده فرهنگ عظیم رنسانس بر سایر زبان‌های اروپای غربی، تأثیری عمیق بوده است. زبان ایتالیایی گذشته از ایتالیا، یکی از چهار زبان رسمی سوئیس است و در ایالات متحده آمریکا، کانادا، آرژانتین و برزیل رواج گسترده دارد. زبان استاندارد آن بر مبنای گویش توسکان^{۱۵} در منطقه فلورانس است اما این گویش کاربرد جهانی ندارد. گونه‌هایی که در ساردینیا و کورسیکا به کار می‌رود رابطه‌ای تنگاتنگ با زبان ایتالیایی دارند اگرچه به دلایل فرهنگی غالباً آن‌ها را از زبان‌هایی جداگانه به حساب می‌آورند. زبان ایتالیایی بیش از هر زبان دیگری رابطه نزدیک خود را با زبان لاتینی اصلی حفظ کرده است (کاتسنر، ۱۳۷۶: ۷۰).

رومانیایی: این زبان از میان زبان‌های رومیایی تنها زبانی است که در اروپای شرقی تکلم می‌شود. جدایی جغرافیایی آن از دیگر زبان‌های لاتینی سبب شده است که با آن‌ها تفاوت زیادی داشته باشد. این زبان که از لاتینی منشعب شده پس از فتح منطقه به دست تراجان (امپراتور رومانیایی) در سده دوم پس از میلاد وارد این دیار گردید. رومانیایی قدیمی‌تر از سایر زبان‌های رومیایی است و از زبان‌های غیررومیایی کشورهای همجوار به ویژه مجاری، آلبانیایی و زبان‌های گوناگون اسلاوی تأثیر پذیرفته است. گونه‌ای از رومانیایی که در مولداوی شوروی سابق رواج دارد و در آنجا به مولداویایی موسوم است با خط سیریلی نوشته می‌شود. این زبان در سال ۱۸۶۰ از خط سیریلی به خط لاتینی روی آورد. (کاتسنر، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

کاتالان: این زبان در شمال شرقی اسپانیا در جزایر بالریک، در آندورا و بخش کوچکی از فرانسه رواج دارد. از نظر تاریخی زبان کاتالان، ناحیه دربرگیرنده بارسلون است. اما امروزه گویشوران آن در ساحل اسپانیا تا ایالت والنسیا پراکنده‌اند. این زبان در فرانسه نیز در ایالت پیرنه ارینتال که سابقاً به روسیلون موسوم بود تکلم می‌شود. کاتالانی تنها در آندورا که در آن جا نقش زبان اصلی را دارد از جایگاه رسمی برخوردار است. ارتباط این زبان با پرووانسی بسیار نزدیک است.

¹⁵ Tuscan

اکسی تان: در جنوب شرقی فرانسه و ایتالیا و مونا به این زبان سخن می‌گویند. این زبان معمولاً آمیخته با فرانسوی محاوره‌ای است که آن را لانگدوک^{۱۶} هم می‌نامند. نام آن از نام منطقه جغرافیایی یعنی اوکسی تانیا^{۱۷} گرفته شده است. اوکسی تان ارتباط نزدیکی با زبان کاتالان دارد.

پرووانسی: زبان پرووانسی یکی از زبان‌های رومیایی است که در منطقه تاریخی جنوب شرقی فرانسه در مجاورت ایتالیا و در مقابل دریای مدیترانه به آن سخن می‌گویند. این زبان به مفهوم وسیع، بیانگر بسیاری از لهجه‌های مشابهی است که در جنوب فرانسه به آن سخن می‌گویند. اوج تکامل پرووانسی بین قرن‌های دوازدهم و چهاردهم بود یعنی زمانی که زبان نوازندگان دوره‌گرد و زبان فرهیختگان سراسر جنوب فرانسه به شمار می‌آمد. اما تجاوزات انجام شده از ناحیه شمال به این فرهنگ پایان داد و به همراه آن فرهنگ نوازندگان و نیز کاربرد پرووانسی به عنوان زبان ویژه منطقه از میان رفت. از آن پس این زبان به چند لهجه پراکنده تقسیم شد و تا به امروز به همان وضع باقی ماند. در سده نوزدهم، نهضتی در راستای تجدید حیات زبان پرووانسی به طلایه‌داری فردریک میسترال آغاز شد. میسترال با هدف ایجاد معیار ادبی نوینی برای پرووانسی، فرهنگ دوجلدی ماندگاری از این زبان و نیز مجموعه‌ای از اشعار حماسی پدید آورد و در سال ۱۹۰۴ جایزه نوبل را از آن خود کرد. اما این جنبش به رغم تلاش‌های میسترال موفقیت بزرگی به بار نیاورد. اکنون در قرن بیستم با تأکید فزاینده بر ناسیونالیسم و یکپارچگی در کشور فرانسه، به گمان بسیاری زبان فرانسوی به صورت آرام، پرووانسی را تا سرحد یک گویش محلی محکوم به فنا تنزل می‌دهد (کاتسندر، ۱۳۷۶: ۶۲).

ساردینیایی: گونه‌ای از زبان لاتین که دارای ارتباط نزدیکی با زبان ایتالیایی دارد و بیش از یک میلیون نفر در جزیره ساردینیای ایتالیا به این زبان سخن می‌گویند. تاریخ مطالب مکتوب آن به سده یازدهم می‌رسد اما آثار ادبی آن بسیار کم دیده شده است و هیچ یک از لهجه‌های آن به وضعیت استاندارد در نیامده است.

دالماسی: از زبان‌های شاخه لاتین است که در پایان سده نوزدهم از بین رفت.

¹⁶ Languedoc

¹⁷ Occitania

رتورومیایی: رتورومیایی نام مشترک سه گویش خانواده رومیایی است که در شمال شرقی ایتالیا و جنوب غربی سوئیس تکلم می‌شوند. از میان گویشوران رتورومیایی نزدیک به ۹۰ درصد آنها در ایتالیا به سر می‌برند اما در آنجا این زبان بومی گویش پاتویس^{۱۸} محسوب شده و از جایگاه رسمی برخوردار نیست. حال آنکه گویش سوئسی این زبان که به رومانس موسوم است با وجود آن که تنها یک درصد جمعیت سوئیس به آن سخن می‌گویند یکی از چهار زبان رسمی این کشور به شمار می‌رود. گویش رومانس در بخش گراوبوندن سوئیس در مرز اتریش و ایتالیا رواج دارد. دو گویش رتو - رومیایی ایتالیا عبارتند از:

۱- فریولیایی که در منطقه فریولی نزدیک مرز اتریش و یوگوسلاوی زندگی می‌کنند.

۲- لادینی که بسیاری از سخنگویان آن در آلتو آدیج واقع در غرب کشور به سر می‌برند. راز بقای زبان رتورومیایی در برابر فشار زبان‌های پیرامون، عمدتاً ناشی از انزوای گویشوران آن در نواحی کاملاً کوهستانی است (کاتسنر، ۱۳۷۶: ۸۳)

نتیجه گیری

در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آن‌ها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ بشر است. اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند و واقعیت این است که اگر سرباز مشهور ژولیوس سزار دوباره زنده شود، هیچ بومی لاتین زبان زنده‌ای وجود ندارد تا با او به گفتگو پردازد. البته برخی از پژوهشگران و کشیشان، لاتین را به عنوان زبان دوم آموخته‌اند ولی این موضوع با بومی بودن متفاوت است. مرگ زبانی اغلب هنگامی روی می‌دهد که سخنگویان به یک زبان با جایگزین کردن یک زبان دیگر از سخن گفتن به زبان خودشان سر باز می‌زنند. این وضعیت وقتی پیش می‌آید که یک زبان با زبان دیگری که دارای منزلت بیشتری است تماس پیدا کند.

لاتین هرگز نمرده است یعنی در هیچ زمانی مردم به یکباره سخن گفتن به آن را کنار نگذاشتند. این زبان در اغلب مناطق سرزمین امپراتوری روم در دو هزار سال پیش رواج داشت.

¹⁸ Patois

اما با گذشت زمان، این زبان نیز به سرنوشت طبیعی زبان‌های گسترده مواجه شد و به چندین زبان کاملاً متفاوت تبدیل گردید. با تجزیه سیاسی امپراتوری روم، عامل همگرایی نیرومندی وجود نداشت تا در برابر تمایل طبیعی زبان به دگرگونی در مناطق مختلف مقاومت کند و به همین دلیل تفاوت بین زبان‌های گفتاری مناطق دوردست امپراتوری کهن در گذر زمان بیشتر و بیشتر شد. در هر نسلی انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت. زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. بنابراین مرزهای زمانی و مکانی یک زبان غالباً ثابت نیستند و دقیقاً مشخص نمی‌باشند. به طور دقیق معلوم نیست در چه تاریخی زبان لاتین به فرانسوی باستان یا ایتالیایی باستان یا اسپانیایی باستان تبدیل شده است. اما صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر متفاوت هستند که دیگر نمی‌توان آن‌ها را "لاتین" نامید، امروزه به جای "لاتین پاریس"، "لاتین رم" و "لاتین مادرید" از عنوان "فرانسه"، "ایتالیایی" و "اسپانیایی" استفاده می‌شود و در واقع از اینها می‌توان به عنوان صورت‌های متأخرتر زبان لاتین یاد کرد.

منابع

- آرلاتو، آنتونی، ۱۳۸۴، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۴، تاریخ زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت.
- اگرادی، ویلیام و دیگران، ۱۳۸۴، درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه علی درزی، تهران، انتشارات سمت.
- تراسک، آر. ال، ۱۳۸۲، تحول زبان، ترجمه ارسلان گلغام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جهانگیری، نادر، ۱۳۷۵، «زبان‌شناسی تاریخی و چشم انداز آینده آن»، مجله فرهنگ، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۷، صص ۵۹-۷۰.

چگنی، ابراهیم، ۱۳۸۲، فرهنگ دایره‌المعارفی زبان و زبان‌ها، تهران، انتشارات بهنام.

روبینز، آر. اچ، ۱۳۷۳، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، انتشارات کتاب‌ماد.

سایپر، ادوارد، ۱۳۷۶، زبان درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، انتشارات سروش.

فیض الهی، علی، گندمی، نسرين، ۱۴۰۰، «بررسی جایگاه زبان لاتین و تحولات تاریخی آن»، فصلنامه علمی رخسار زبان، شماره ۱۶، صص ۴۲-۶۰.

کاتسیر، کنت، ۱۳۷۶، زبان‌های جهان، ترجمه رضی هیرمندی (خدادادی)، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

گویری، سوزان، ۱۳۸۶، «خویشاوندی زبان‌ها، خاستگاه زبان آلمانی و تحولات آن»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۳۷، صص ۷۱-۸۸.

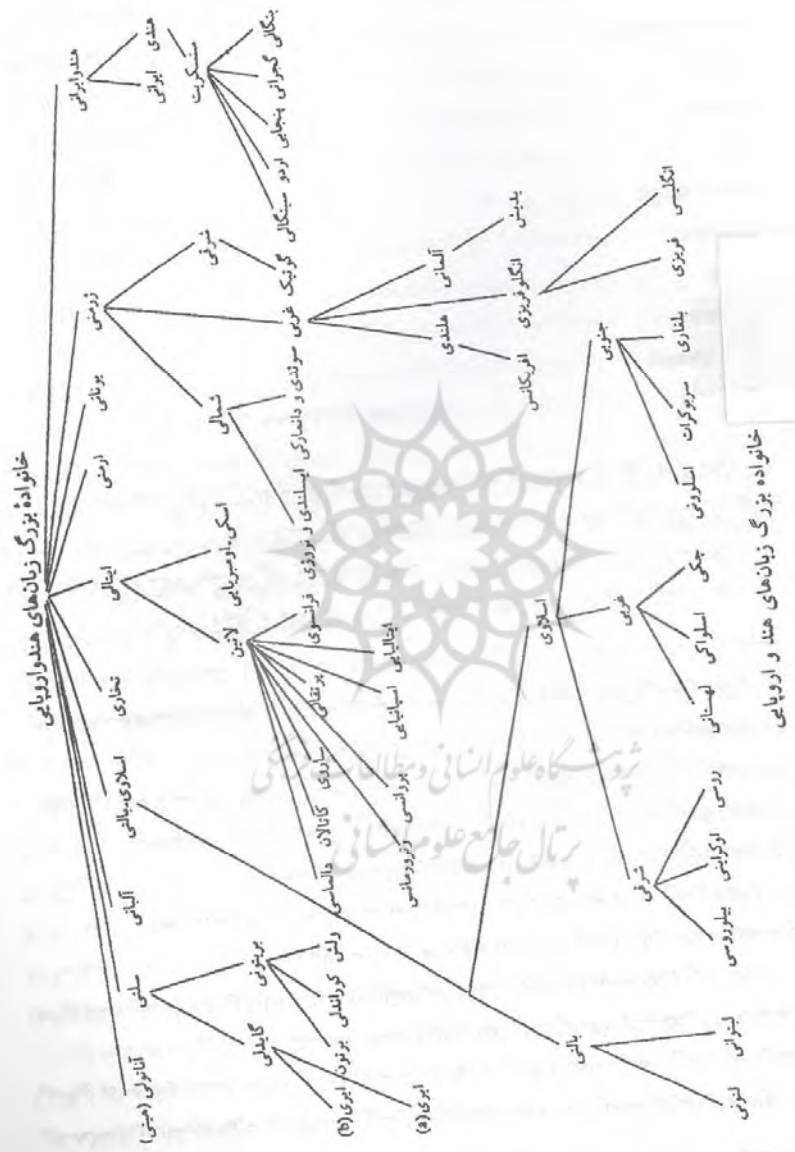
مشکوه‌الدینی، مهدی، ۱۳۷۶، سیر زبان‌شناسی، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

Bennett, Charles E., 1908, *A Latin Grammar*, U.S.A., Norwood press.

Collar, William C., 1891, & others, *Beginner's Latin*, Boston, U.S.A.

D'ooge, Benjamin L., 1911, *Latin for Beginners*, Boston, U.S.A.

Oerberg, Hans H. & others, 1965, *Lingua Latina*, U.S.A., Nature Method Institute.



خانواده بزرگ زبان‌های هند و اروپایی